بیاری خلق های قهرمان هندوچین بشتابید !

دورهٔ ششم — آذر ۱۳۴۹ — شماره شصت و ششم

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

متفکر، انقلابی وانسان بزرگ

(بمناسبت ۱۵۰ سالگی تولد فریدریش انگلس)

روز ۲۸ نوامبر ۱۹۷۰ بشریت مترقی صد و پنجاهمین سالگرد میلاد فریدریش انگلس نزدیکترین دوست و همرزم کارل مارکس، اندیشه ور سترگ، انقلابی پرشور و انسان بزرگ را برپا داشته است. مارکس وانگلس دو نابغه بزرگ تاریخ بشریتند که در عصر تحولات دوراناز انقلابی پدید شدند و درفعالیت عظیم و متنوع فکری و عملی آنها مهمترین مختصات طبقهٔ درحال اعتلاء، یعنی طبقه کارگر منعکس است.

انگلس همراه دوست کبیر خویش مارکس مبانی تئوریك سوسیالیسم و کمونیسم علمی را تنظیم کرد و مانند همرزم نام آور خود از جادهٔ یك زندگی بزرگ بمثابهٔ متفکر وانقلابی و مجاهد پرولتاری طراز نوین گذشت. میتوان با اطمینان گفت که در تئوری سوسیالیسم علمی که بنام دوستروی

دنباله در صفحه ۱

پیام

کمیته مرکزی حزب توده ایران بکمیته مرکزی سازمان حزب در آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان

بمناسبت بیست و پنجمین سال جنبش دموکراتیك خلق آذربایجان

رفقای عزیز !

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش دموکراتیك و ضد امپریالیستی خلق آذربایجان، جنبش ۲۱ آذر، گرمترین درود های رزمجویانهٔ ما را بپذیرید.

جنبش ۲۱ آذر در یك دوران حساس تاریخ کشور ما آغاز شد و نقش بزرگی در تحول اوضاع کشور ما ایفا کرد.

در آستانه این جنبش، در سال ۱۳۲۴ ارتجاع ایران و بر رأس آن حکومت صدر الاشراف موفق شده بود تا حدود زیادی دستاورد های جنبش دموکراتیك ایران را که پس از سقوط حکومت استبدادی رضا شاه و در نتیجه تغییر تناسب نیرو ها درعرصه جهان بسود سوسیالیسم پدید آمده بود، از میان ببرد. حزب توده ایران و شورای متحدهٔ مرکزی همه جا مورد شدید ترین یورشهای دولت و باند های ارتجاعی وابسته به دربار و حزب «اراده ملی» سید ضیاء الدین قرار

دنباله در صفحه ۵

چهل میلیارد ریال دیگر در چاه ویل تسلیحات

همزمان با پایان مذاکرات نفتی میان دولت ایران و کنسرسیوم و پیش از آنکه اعلامیه مربوط باین مذاکرات انتشار یابد ناگهان دولت ایران لایحه‌ای درباره تحصیل ۴۰ میلیاردریال وام جدید برای خرید تسلیحات به مجلس بردو روز ۸ آذر ماه ۱۳۴۹ مجلس فوریت لایحه را بتصویب رساند و برای تصویب نهائی به سنا فرستاد.

دستگاه تبلیغات کشور و مطبوعات رسمی که روزهای پیاپی درباره اهمیت نتایج مذاکرات نفتی داد سخن داده و آنرا «پیروزی جهانی» ایران نامیده بودند، درباره لایحه تحصیل ۴۰ میلیارد ریال وام جدید تسلیحاتی مهر خموشی بر لب زدند و تنها به یکی دو خبر بسیار کوتاه و عملا مبهم در لابلای انبوه

دنباله در صفحه ۴

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست فرانسه شادباش زیرین را ارسال داشته است

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه !

رفقای عزیز !

کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاه‌ـ همین سالروز تأسیس حزب کمونیست فرانسه را از جانب خود و کلیه اعضای حزب ما بشما و توسط شما بتمام کمونیستهای فرانسه، به طبقه کارگر قهرمان فرانسه و بتمام زحمتکشان فرانسه صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید.

حزب کمونیست فرانسه که ادامه دهنده بهترین سنن انقلابی و سوسیالیستی مردم فرانسه است و تحت تأثیر اندیشه های فنا ناپذیر مارکس ـ انگلس ـ لنین و برهبری شخصیتهای برجسته‌ای چون موریس تورز، مارسل کاشن، ژاك دوکلو، بنوآفراشون، والدك روشه راه

دنباله درصفحه ۶

کنفرانس جهانی استکهلم در بارهٔ هندوچین

روز سوم ماه اکتبر در آستانه ماه همبستگی با مبارزان ضد امپریالیست شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی استکهلم درباره ویت نام، لائوس و کامبوج متفقاً پیام زیرین را خطاب بمردم جهان تصویب وصادر کردند. «جنگ تجاوزکارانه علیه مردم ویت نام با تجدید بمباران ویت نام شمالی بطورفوق العاده جدی توسعه یافته است. تجاوز علیه ساکنان ویت نام جنوبی، لائوس و کامبوج تشدید شده است. حکومت نیکسون به پیروزی نظامی بر ملل هند و چین، امید بسته است. هدف پیشنهادات (صلح) این حکومت فریب ملل و طولانی کردن جنگ است.»

دنباله در صفحه ۵

مناسبات تازه با کنسرسیوم بین المللی نفت

سر انجام نتایج مذاکرات ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت روز ۲۵ آبانماه اعلام گردید. چنانکه از اعلامیه پایان مذاکرات و تفسیر جراید در این باره برمیآید مذاکرات در سه زمینه اصلی، مالیات و قیمت و تولید صورت گرفته و به نتایج معینی نیز رسیده است. مالیات ایران از کنسرسیوم که تاکنون ۵۰ درصد بوده به ۵۵ درصد افزایش یافته. قیمت نفت سنگین ۹ سنت افزایش یافته که از آن ۴٫۹۵ سنت سهم ایران میشود. در سال آینده بطور متوسط ۱۲ در صد بر تولید نفت ایران افزوده خواهد شد.

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیهٔ دبیر خانه کمیته مرکزی

روز ۲ دیماه رادیوی تهران متن اطلاعاتی را که سازمان امنیت صلاح دانسته است بوسیله سخنگوی خویش در دسترس مطبوعات قرار دهد منتشر نمود.

ظاهراً هدف مصاحبه عبارت از افشاء اقدامات ماجرا جویانه و نقشه های نا بخردانه ایست که تیمور بختیار رئیس سابق سازمان امنیت طرح نموده وخواسته

دنباله در صفحه ۷

با تمام نیرو از مبارزهٔ خلق های عرب علیه اسرائیل پشتیبانی کنید !

دنباله از صفحه ۱

مناسبات تازه با کنسرسیوم بین المللی نفت

مناسبات تازه با کنسرسیوم

تا کنون کنسرسیوم حاضر نشده بود نه در زمینه مالیات و نه در زمینه قیمت نفت امتیازی به ایران بدهد. بهمین جهت دولت ایران فقط در زمینه افزایش تولید نفت پافشاری میکرد که آنهم بقبولاندن حداکثر تقاضای خود موفق نمیگردید. اینك برای نخستین بار در زمینه تعیین قیمت نفت و بویژه افزایش مالیات نفت بنفع ایران مناسبات تازه ای بین ایران و کنسرسیوم بر قرار گردیده که در واقع تغییری را در قرار داد با کنسرسیوم ایجاب میکند و بهمین جهت قرار است از طرف دولت ماده واحده ای برای اصلاح قرار داد کنسرسیوم بمجلس تقدیم گردد. بدینسان میتوان گفت که کنسرسیوم پس سالها بعقب نشینی مجبور شده است.

علت عقب نشینی چیست؟

روشن است که نه کنسرسیوم بدون اجبار تن بعقب نشینی میدهد و نه دولت ایران بدون اجبار در برابر کنسرسیوم مقاومت میکند. این اجبار ها بقرار زیر اند:

۱) تغییر تناسب قوا بسود نیرو های دموکراسی و سوسیالیسم - که روز افزون است - دیگر به انحصارات نفتی امپریالیستی اجازه نمیدهد که خواستهای خودرا «دیکته» کنند. برای هر دولتی در جهان - و از جمله دولت ایران - این امکان پیدا شده است که یکجانبه تسلیم این «دیکتات» نشوند. مقاومت و پافشاری انحصارات نفتی برای تأمین حداکثر منافع خود این «خطر» را در بر دارد که پایه های تسلط آنها متزلزل گردد. بویژه آنکه در مسئله نفت تنها ایران مطرح نیست. در کشورهای نفت خیز خاور میانه جنبش های ازادیبخش ملی در حال اوج اند و در واقع انحصارات نفتی با جبهه کم و بیش متحدی که شکل بروز آن را در فعالیت «اوپك» میتوان دید، روبرو هستند. برای آنکه منافع اساسی در معرض خطر قرار نگیرد باید عقب نشینی کرد.

۲) بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی ایران با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی در مقایسه با همین مناسبات با کشور های امپریالیستی نمونه بی نظیری را از احترام به استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و رعایت منافع واقعی مردم ایران نشان میدهد. این واقعیت را پیشنهاد های اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت و بهره برداری از منابع نفتی، تأیید میکند. نه در برابر افکار عمومی مردم ایران و نه در برابر افکارعمومی جهان نمیتوان سیاست امپریالیستی کنسرسیوم را توجیه کرد. تأثیر این عامل در تقویت مواضع دولت ایران در برابر کنسرسیوم و وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی انکار ناپذیر است.

۳) مردم ایران که هیچگاه کنسرسیوم را برسمیت نشناخته‌اند، مبارزه خود را برای تأمین حق حاکمیت ایران در نفت، با درنظر داشتن تغییر تناسب قوا در صحنهٔ جهانی بسود پیکار عادلانه خود و نمونه مناسبات ایران با کشور های سوسیالیستی، ادامه میدهند. دولت ایران علیرغم محیط ترور و خفقانی که ایجاد کرده نمیتواند بفشار افکار عمومی مردم ایران بی اعتنا بماند و در بست تسلیم فشار کنسرسیوم شود. دولت ایران مجبور است بمقاومت معینی در برابر کنسرسیوم دست بزند.

٤) دولت ایران بویژه برای تأمین بودجه برنامه چهارم دچار کمبود درآمد است. منبع اصلی بودجه برنامه چهارم درآمد نفت است. اگر در آمد نفت افزایش نیابد و در نتیجه بودجهٔ برنامهٔ چهارم تأمین نگردد دولت ایران با مشکلات بزرگی از نظر مالی و اقتصادی روبرو خواهد شد. دولت ایران مجبور است برای افزایش در آمد نفت بهر شکل که میتواند دست و پا کند.

راه آینده

همه این عوامل تأیید کننده این واقعیت است که هم کنسرسیوم مجبور بعقب نشینی است، هم دولت ایران مجبور بمقاومت است و هم امکان برای وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی و افزایش مقاومت دولت ایران در برابر کنسرسیوم بیشتر شده است. وروشن است که در آینده این امکان باز هم بیشتر خواهد شد، فقط باید بهترین شکل از آن استفاده کرد.

ما در مقاله شماره گذشته «مردم» متذکر شدیم که مردم ایران از هر گونه اقدام جدی در مسئله نفت پشتیبانی میکنند و هر گونه سازش و تهدید تو خالی را افشا و محکوم مینمایند. بر همین اساس است که بنظر ما نتایج مذاکرات اخیر ایران و کنسرسیوم در مقایسه با نتایج مذاکرات گذشته گامی است بجلو. در هماحال بنظر ما این قبیل نتایج بهیچوجه منافع اساسی مردم ایران و حق حاکمیت ایران را بر منابع نفت تحت تسلط کنسرسیوم تأمین نمیکند. مردم ایران همچنان برای اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مبارزه میکنند، چون این مبارزه را تنها راه حل اساسی و عادلانه برای استفاده از این بزرگترین ثروت ملی خود میدانند.

از اینکه بگذریم حتی در چارچوب روشی هم که دولت ایران در پیش گرفته هنوز راه زیادی را باید طی کرد تا بتوان لااقل بطور نسبی حیطه تسلط کنسرسیوم را محدود و منافع اساسی ایران را تأمین کرد. ما در گذشته بارها متذکر شده ایم که شرکت موثر ایران در تعیین بهای انواع نفت، محدود کردن منطقه فعالیت کنسرسیوم، بدست آوردن تمام و کمال بهرهٔ مالکانه، حق فروش مستقل سهم نفت ایران، افزایش قابل ملاحظه درآمد نفت ایران همراه با کم‌شدن سهم کنسرسیوم و نظائر آن ساده ترین و در عین حال مبرمترین خواستهائی است که میتوان و باید کنسرسیوم را بقبول آن وادار کرد. گذشته از این مگر دولت ایران مدعی نیست که با شرکتهای دیگر نفتی قرار داد هائی بر اساس ۲۵ - ۷۵ و حتی ۱۰ - ۹۰ در صد منعقد کرده؟ پس چرا در قرار داد کنسرسیوم لا اقل بر همین اساس تجدیدنظر نمیکند؟ مگر شاه کنسرسیوم را تهدیدنکرده است که اگر به تقاضا های ایران ترتیب اثر ندهد بر طبق قطعنامه های سازمان ملل‌متحد قوانین جدیدی برای محدود کردن فعالیت کنسرسیوم و تأمین منافع ایران وضع‌خواهد کرد؟ پس چرا عملی در این زمینه انجام نگرفته است؟ آیا خواستهای ایران همین بوده که در نتایج مذاکرات جدید منعکس است؟ این سئوالات همچنان بجای خودباقی است و بر اساس آن مبارزه مردم ایران هم برای وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی و دولت ایران بمقاومت در برابر کنسرسیوم و هم برای اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت و قطع تسلط انحصارات نفتی بر منابع نفت ایران ادامه خواهد یافت.

م. انوشه

کارگران و مبارزات سندیکائی

اخیراً وزیر کار اعلام نمود که وزارت کار بمنظور بسط فعالیت بخش خصوصی در آئین نامهٔ کارگری و کارفرمائی تجدید نظر نموده و آئین نامه های جداگانه ای برای سندیکا های کارفرمائی و کارگری بتصویب شورایعالی کار رسانده است. چون متن آئین نامه های جدید انتشار نیافته، نمیتوان دربارهٔ کیفیت تغییرات وارده اظهار نظرنمود. ولی روزنامه کیهان در صدر خبر مربوط به تغییر آئین نامه تحت عنوان «کلیه کارگران میتوانند سندیکا تشکیل دهند» مینویسد: «کارگران کارگاههای صنعتی و همچنین کارگاههای جزء میتوانند سندیکا تشکیل دهند و با تشکیل سندیکا در مورد امضاء قرار داد دسته جمعی، دریافت اضافه دستمزد و سایر متفرعات مزد میتوانند با کارفرما وارد مذاکره شوند و بعلاوه کارگرانیکه تا کنون بعلت غیر ثابت بودن محل کار نمیتوانستند سندیکا داشته باشند، صاحب سندیکا خواهند شد.»

وزیر کار صریحاً گفته است که تغییر در آئین نامه کارگری و کارفرمائی بمنظور بسط فعالیت بخش خصوصی انجام گرفته، این مطلب تردید باقی نمیگذارد که موادی از آئیننامه در رابطه با سیاست کلی دولت که همکاری طبقاتی‌را میخواهد جانشین‌مبارزه طبقاتی کندبسودکارفرمایان‌تغییر یافته،ولی‌همین مطلب که کارگران کارگاههای کوچك و نیز کارگرانی که محل ثابت کار ندارند میتوانند سندیکا تشکیل دهند، امری است که مورد استفادهٔ کارگران و بسط فعالیت سندیکائی میتواند باشد. زیرا تبصره ۱ مادهٔ ٦ قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ کارگاههائی را که دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر بودند از شمول بسیاری از مواد قانون کار و از جمله حق تشکیل سندیکا تا کنون محروم میداشت.

از ویژگیهای عمدهٔ دوران پس از کودتا، دخالت دولت در تشکیل احزاب، سندیکاها و سایر سازمانهای صنفی است. حزب ما به پیروی از این اصل لنینی که: «باید آنجا کار کرد که توده ها هستند» پیوسته از کارگران دعوت نموده که در شرایط فقدان سندیکا های واقعی کارگری، از همین سندیکا های موجود - صرفنظر از آنکه رهبری آنها در دست چه کسانی است - برای تحقق خواستهای صنفی خود استفاده نمایند و هر کجا هم که سندیکای دولتی‌وجود ندارد، برای تشکیل سندیکای واقعی کارگری اقدام کنند. ولی گروههای چپ در تمام این سالها تبلیغ کرده اند که چون سندیکا های موجود در دست عوامل ارتجاع است، فعالیت در درون آنها امری است عبث و بیفایده و باین ترتیب خواسته اند کارگران را از فعالیت در سندیکا های دولتی بر حذر دارند. اما روشن است که این استدلال فاقد هر گونه پایهٔ منطقی است. زیرا علاوه بر آنکه وظیفه کلیه مبارزان است که در هر شرایطی از هر وسیله‌ای که تسمه های پیوند آنانرا با توده ها تحکیم میکند استفاده کنند، هرگز نباید از نظر دور داشت که تغییر شرایط مبارزه، تغییر تاکتیك مبارزه را ایجاب میکند. در شرایط پیروزی ارتجاع و ضعف جنبش که اهرمهای سابق مبارزه، کارآئی خود را از دست میدهند، وظیفه مبارزان آنست که از اهرمهای تازه ای، منطبق با شرایط نوین مبارزه استفاده کنند. اگر صحیح است که در شرایط فقدان کلیه آزادیهای دموکراتیك، وظیفه کارگران مبارز آن نیست که دست روی دست‌بگذارند و در انتظار اعتلاء نهضت و ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری، مبارزهٔ سندیکائی را متوقف سازند، پس منطقاً باید باین نتیجه رسید که همین سندیکاها علیرغم آنکه رهبری آن در دست عناصر ارتجاعی و یا مشکوك است، باید هوشمندانه مورد استفاده قرار گیرند و اشکال صحیح فعالیت سندیکائی در درون آنها بکار بسته شود. استفاده حداکثر از هر گونه امکان علنی برای پیشبرد مطالبات صنفی و سیاسی در شرایط اختناق، هنر مبارزان پیشرو است.

هم اکنون با تغییر آئین نامه برای صدها هزار کارگر زحمتکش کارگاههای کوچك، امکان تشکل سندیکائی پدیدآمده است. باید از این فرصت حداکثر استفاده را نمود و در درجه اول کارگران آگاه باید بکوشند سندیکاها بر اساس انتخابات آزاد تشکیل شوند و مبارزات صنفی کارگران بسط یابد.

دنباله در صفحه ۷

اعتصاب غذای دانشجویان مبارز با پیروزی پایان یافت

علت اعتصاب غذا

در ماه گذشته دکتر هلدمن حقوقدان آلمان غربی از طرف سازمان بین المللی عفو مأموریت یافت که برای بررسی وضع زندانیان سیاسی به ایران مسافرت کند. دکتر هلدمن در این مأموریت یك دانشجوی ایرانی بنام حسین رضائی را بعنوان مترجم همراه برد. پس از ورود به ایران دکتر هلدمن بوزارت اطلاعات مراجعه نمود و از آنان خواست تا او را در انجام مأموریتش راهنمائی و کمك کنند. اما در روز سوم ورود او به ایران دو نفر مأمور سازمان امنیت بسراغ وی آمدند و باو اخطار کردند که باید بلافاصله ایران را ترك گوید. در فرودگاه مهرآباد نیز مأموران بدون توجه به مصونیت نمایندهٔ یك سازمان جهانی چمدان اسناد و اوراق او را توقیف نمودند و اعتراضات وی را نا شنیده گرفتند. ضمناً همراه وی حسین رضائی را نیز مأموران سازمان امنیت در خیابان ربودند. جریان ربوده شدن دانشجوی ایرانی وعدم اطلاع از سرنوشت وی موجب شد که دانشجویان ایرانی مقیم شهر ماینتز از روز ۲ دسامبر دست باعتصاب غذا زدند. تقاضای دانشجویان این بود که برای اطلاع از وضع دانشجوی ربوده شده هیئتی به ایران اعزام گردد. نمایندگان دانشجویان ایرانی از شهر های مختلف به دانشجویان اعتصابی شهر ماینتز پیوستند و تعداد اعتصاب کنندگان غذا به ۱٦۰ نفر رسید، در شهر های دیگر اروپا نیز دانشجویان به علامت همبستگی دست باقدامی زدند. ازجمله ۳۸ نفر ازدانشجویان آلمانی از شهرهای گراتس-لئوبن-وین بسفارت ایران در وین مراجعه نمودند تا اعتراض و خواست خود را مطرح سازند. مقامات سفارت بزور پلیس وین دانشجویان را از سفارت بیرون کردند عده‌ای از آنان مجروح شدند و پلیس تمام دانشجویان را توقیف کرد. از اینجهت دانشجویان ایرانی در وین اعتصاب غذا نمودند. ضمناً نمایندگان فدراسیون دانشجویان ایرانی در اتریش به روزنامه ها و محافل مختلف دولتی واجتماعی اتریش مراجعه کردند و خواستار آزادی توقیف شدگان شدند. سرانجام پلیس مجبور شد کلیه دانشجویان بازداشت شده را آزاد کند.

از روز ۱۰ دسامبر ۳۰ نفر ازدانشجویان ایرانی مقیم لندن و بیش از ٤٥ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم پاریس و عده ای از دانشجویان ایرانی مقیم استکهلم به نشانهٔ همدردی دست باعتصاب غذا زدند. درامریکا دانشجویان ایرانی به کنسولگریهای ایران مراجعه کردند. در ایتالیا نمایندگان سازمان های دانشجویان ایرانی به احزاب دموکراتیك و نمایندگان آنان در پارلمان و سنا رجوع نمودند. تظاهرات دانشجویان همه جا تحت رهبری کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی ادامه یافت.

پشتیبانی افکار عمومی جهان از خواست دانشجویان

دانشجویان مبارز ایرانی از پشتیبانی محافل مترقی و دموکراتیك محل اقامت خود برخوردار بودند. «مدیر روزنامه فرانکفورتر روند شاو» به لندن رفت تا در باره ضرورت مسافرت ناظرانی از انگلستان، ایتالیا و آلمان غربی همراه با هیئتی که اعزام آن خواست دانشجویان ایرانی بود باسازمان بین المللی عفو مذاکره کند. رئیس ومعاون اداره امور خارجی دانشگاه ماینتز ونیز اتحادیه دانشجویان آلمان غربی طی تلگرافی بدولت ایران پشتیبانی خود را از خواست دانشجویان ایرانی اعلام داشتند. شهردار شهر ماینتز بمحل اعتصاب غذا آمد وضمن ابراز همدردی متن تلگرافی را که از جانب خود به هویدا نخست وزیر ایران فرستاده بود به اطلاع اعتصاب کنندگان رساند. یکی از آهنگسازان مشهور آلمان غربی همدردی خود را با دانشجویان اعتصابی اعلام نمود. در ماینتز میتینگی با حضور بیش از ٤۰۰ نفر از دانشجویان آلمانی و ایرانی و همچنین دکتر هلدمن و عده ای دیگر از شخصیتها تشکیل شد. ۱٥۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و اتریشی به پشتیبانی از دانشجویانی که اعتصاب غذا کرده بودند تظاهرات نمودند. هیئتی از طرف آنان با نخست وزیر اتریش ملاقات کرد و نخست وزیر اتریش ضمن ابراز همدردی با دانشجویان ایرانی گفت که بعنوان رهبر حزب سوسیالیست اتریش از هر گونه اقدامی برای پشتیبانی از خواست دانشجویان ایرانی خود داری نخواهد کرد. دو نفر از نمایندگان سوسیالیست پارلمان اتریش بمحل اعتصاب دانشجویان ایرانی در وین آمدند و یکی از آنان طی سخنرانی خود برای اعتصاب کنندگان، شرحی در باره وجود ترور و اختناق و فقدان آزادیهای دموکراتیك در ایران بیان نمود. نماینده مجلس اتریش گفت که در پارلمان اتریش دربارهٔ ایران صحبت خواهد کرد.

احزاب دموکراتیك ایتالیا و نمایندگان آنان همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان اعلام داشتند، نامه ها و تلگرافهای بسیاری از سازمانهای دانشجویان ایرانی و محافل دانشجوئی و اجتماعی خارجی در همبستگی با اعتصابیون رسید.

در جریان اعتصاب بیش از ٦۰ نفراز اعتصابیون به بیمارستان اعزام شدند و ٦۰ نفر سرپائی مداوا شدند. یك پزشك آلمانی داوطلبانه به مداوای اعتصاب کنندگان پرداخت.

پیروزی اعتصاب

مبارزه دانشجویان و فشار افکارعمومی در جهان سرانجام دولت ایران را مجبور کرد تا با اعزام هیئتی از جانب کمیسیون حقوق بشر در پاریس و انجمن بین المللی حقوقدانان دموکرات برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی در ایران موافقت کند.

در نتیجه ساعت ٤ بعد از ظهر روز ۱۲ دسامبر اعتصاب دانشجویان شهر ماینتز و ٥ بعد از ظهر ۱۳ دسامبر اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی در وین پایان پذیرفت. در شهر ماینتز در مراسم اعلام پایان اعتصاب مصاحبه مطبوعاتی تشکیل شد که در آن رئیس دانشگاه ماینتز، مدیر روزنامه فرانکفورتر روند شاو، پزشك معالج دانشجویان اعتصابی و یك روحانی پرتستان سخنرانی کردند و از خواست دانشجویان پشتیبانی نمودند. در وین جریان ختم اعتصاب بتفصیل از رادیو تلویزیون اتریش پخش شد.

ما موفقیت دانشجویان ایرانی را تبریك میگوئیم و به دولت ایران که ابتدائی ترین اصول آزادیهای دموکراتیك را نادیده گرفته، اعلامیه حقوق بشر و قانون اساسی ایران را به ورق پاره ای تبدیل نموده و به زور سرنیزه حکومت میکند شدیداً معترضیم. ما از کلیه کسانی که مورد قانون شکنی و تعدی رژیم قرار میگیرند. صرفنظر ازعقاید سیاسی شان، راه گذشته وروش آینده شان با تمام قوا دفاع میکنیم. دفاع ما دفاع از دموکراسی است.

سیمای رقت بار بهداشت

نظری به شاخص هزینه زندگی در کشور نشان میدهد: هزینه های درمانی بعد از هزینه های مربوط به مواد غذائی و مسکن در چند سال اخیر بالاترین نسبت را داشته است. آمار بانك مرکزی ایران حاکیست: شاخص بهداشت و درمان از سال ۱۳٤٥ تا کنون به تنهائی بیش از ۹ در صد فزونی یافته است.

در بیان علل این گرانی میتوان از سه عامل مهم نام برد:

کمبود پزشك، دارو و مراکز درمانی عدم توجه دولت به گسترش شبکه بهداشتی و درمانی کشور و میدان عمل آزاد بخش خصوصی که بتاراج هستی مردم تهی دست پرداخته است.

خدمات پزشکی در کشور ما بی نهایت رقت انگیز است. بر اساس آماری که در دست است در تمام کشور در برابر هر ٦۷۲٥ نفر یك پزشك وجود دارد. برای هر صد هزار نفر یك درمانگاه، یك آزمایشگاه و ٥ داروخانه داریم و این همه نشان دهندهٔ قلت خدمات و تسهیلات درمانی در برابر انبوه جمعیت است.

آمارهای موجودنشان میدهد: ازمجموع ۸۳۸٤ پزشك که در مراکز درمانی کشور خدمت میکنند بیش از دو هزار نفر آنها در واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی بکار مشغول اند و بقیه، یعنی تنها نزدیك به ٦هزار نفر پزشك در مراکز دولتی و خصوصی به معالجه بیماران اشتغال دارند. تعداد تختخواب بیمارستانهای دولتی و خصوصی هنوز از ۳٥ هزار تجاوز نمیکند و این تعداد تختخواب اندك، بیشتر در تهران و یکی دو شهردیگر قرار گرفته است.

طبق برآورد سازمان جهانی بهداشت برای هر هزار نفر حد اقل یك پزشك برای هر صد نفر حد اقل یك تختخواب برای هر ٥ هزار نفر حد اقل یك جراح و برای هر ۳ هزار نفر حد اقل یك دندان پزشك لازم است.

بر این اساس کشور ما در حال حاضر به بیش از ۲۰ هزار پزشك، بیش از ۲٥۰ هزار تختخواب، ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ بیمارستان مجهز، هزاران جراح، قابله، دندان پزشك و دهها هزار متخصص دیگر پزشکی نیازمند است. و این در صورتی است که مراجعه به تمام پزشکان موجود و کلیه بیمارستانها و درمانگاهها اعم از شخصی و دولتی برای همه امکان پذیر باشد.

از این گذشته، توزیع امکانات درمانی در نقاط مختلف کشور نامتعادل است. بعنوان نمونه در حالیکه یك سوم پزشکان در تهران کار میکنند، منطقه ای مانند سیستان و بلوچستان با نزدیك به ٥ میلیون جمعیت ٤۷ پزشك، ۳ جراح و ۱۱ دندان پزشك دارد.

در آغاز برنامه چهارم رئیس دولت در کنفرانس منطقه‌ای مدیترانه‌شرقی سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: در ٥ سال آینده دولت مبلغی در حدود ۳۷۰ میلیون دلار در امور بهداشتی و درمانی کشور خرج خواهد کرد. برنامه چهارم رو باتمام است. وضع رقت بار بهداشت و درمان نشان میدهد دولت تا چه اندازه در زمینهٔ تأمین نیاز های بهداشتی و درمانی مردم اقدام ورزیده است.

دولت ایران برای آنکه شانه خود را از زیر بار مسئولیت تأمین بهداشت مردم خالی کند در سال ۱۳٤۳ قانون باصطلاح «واگذاری امور بهداری بمردم» را از تصویب مجلس گذراند. پس از چندی طرح دادن وام به پزشکان را برای ایجاد «مراکز درمانی خصوصی» تصویب کرد. هدف این بود تا بهداشت نیز مانند آموزش با گذشت زمان بطور کامل در بخش خصوصی متمرکز شود. این کار اینك انجام شده است بطوری که تعداد بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی سه تا چهار برابر بیمارستانها و درمانگاههای دولتی است.

وضع بیمارستانهای دولتی آنچنان رقت بار است که کمتر کسی مگر از روی احتیاج حاضر میشود در این مؤسسات، که مردم قصابخانه اش مینامند بستری شود. بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی نیز چون سازمانهای تجارتی تنها یك هدف را تعقیب میکنند- غارت مردم بهر شکل و بهر عنوان!

کافی است فردی از یك خانواده بیمار شود و این بیماری مدتی دوام یابد تا آن خانواده از هستی ساقط شود. کمبود کادر پزشکی در ایران، گرانی و افزایش روز

دنباله در صفحه ٤

دنباله از صفحه ۱

چهل میلیارد ریال دیگر در چاه ویل تسلیحات

اخبار عادی بسنده کردند. علت آنهم روشن است با سر و صدا درباره وام تسلیحاتی ٤٠ میلیارد ریالی که بموجب لایحه «با بهره و شرایط‌متداول» دریافت میگردد و بدینطریق اصل و فرع آن با بهره «متداول» داخلی یا مؤسسات مالی کشور های امپریالیستی (این بهره معمولا ٦ تا ۷ در صد است) تا پایان پرداخت تدریجی اقساط آن به رقم سرسام آور ٥٠-٦٠ میلیارد ریال بالغ میگردد، طبعاً خشم شدید مردم‌را بر میانگیزد و بهمین جهت باید به سکوت بر گزار شود.

در آمدنفتی ایران پس از «تهدیدات» و مذاکرات و چانه زدن های طولانی با کنسرسیوم سر انجام سالانه در حدود صد میلیون دلار که هم ارز ٥ر۷ میلیارد ریال است بالا میرود ولی دولت هم اکنون اضافه درآمد بیش از ٥ سال آنرا یکجا و پیشکی به چاه ویل تسلیحات‌میریزد. بدینسان انحصارات امپریالیستی با یکدست سالانه ١٠٠ میلیون دلار از محل میلیارد هائی که با غارت ثروت نفت ایران به چنگ میآورند بدولت ایران «گذشت» میکنند و با دست دیگر چند برابر آنرا از راه فروش اسلحه و آنهم سلاح کهنه و بدرد نخور خود، یکجا پس میگیرند.

٤٠ میلیارد ریال وام تسلیحاتی جدید و با بهره آن ٥٠-٦٠ میلیارد ریال حتی صرفنظر از عواقب سیاسی وخیم آن نیز برای کشوری‌چون ایران با بنیه ضعیف مالی آن توانفرساست، بویژه اگر در نظر گیریم که این اولین و آخرین وام تسلیحاتی نیست و مجموع هزینه های نظامی سالانه ایران بدون این وام هم بسیار سنگین است. همین چند ماه پیش در ژوئن سال جاری بود که شاه در مصاحبه با خبر نگار مجله فرانسوی «اکسپرس» گفت: «در سال جاری ما مجبور شدیم ٧٠٠ میلیون دلار برای دفاع خرج کنیم»! ٧٠٠ میلیون دلار، ٥ر٥٢ میلیارد ریال و اینك ٤٠ میلیارد ریال دیگر یعنی جمعاً ٥ر٩٢ میلیارد ریال هم ارز بیش از یك میلیارد و ٢٠٠ میلیون دلار تنها در یکسال برای خرید تسلیحات! این رقم را با رقم در آمد سالانه نفت ایران که بزحمت به یك میلیارد دلار میرسد مقایسه کنید. تمام درآمد یکسال نفت باضافه مبلغی بیش از ٢٠٠ میلیارد دلار که تقریباً برابر با درآمد ارزی ایران از محل صادرات آنست صرف تسلیحات یکسال شده است. تازه این تمام هزینه‌های‌نظامی ایران نیست: زیرا‌هزینه‌جاری نگاهداری ارتش ٢٠٠ هزار نفری را هم که کمتر از ٣٠٠ میلیون دلار نیست باید بآن افزود، این هزینه های توانفرسای غیر تولیدی را باید کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان ایران با پرداخت مالیات های سنگین جبران کنند!

طی سالهای اخیر هزینه های نظامی ایران بطور متوسط هر سال بیش از ٨٠٠ میلیون دلار یعنی هم ارز بیش از ٦٠میلیارد ریال بوده است. بدینسان تنها طی ٥ سال اخیر بیش از ٤ میلیارد دلار معادل ٣٠٠ میلیارد ریال از محل عواید ارزی کشور و وام های خارجی با شرایط سنگین سیاسی و غیره و نیز از محل قرضه های داخلی صرف تسلیحات و هزینه های جاری دیگر ارتش شده است. این رقم با مقیاس های مالی کشوری چون ایران بمعنای‌واقعی کلمه یك رقم نجومی است.

حال این مبلغ را با اعتبارات دولتی برنامه پنجساله چهارم مقایسه کنید. کل اعتبارات دولتی برنامه چهارم‌که بزرگترین اعتبارات‌سراسر دوران ٥٠ سال اخیر ایران است به ٤٨٠ میلیارد ریال میرسد. ولی طی همین مدت ٣٠٠ میلیارد تنها برای تسلیحات و سایر هزینه های نظامی خرج شده است. ٣٠٠ میلیارد برای‌تسلیحات ٥ سال و ٤٨٠ میلیارد برای کل اعتبارات برنامه چهارم!

مجموع اعتبارات دولتی صنایع ومعادن در طول چهار برنامه کشور که از سال ١٣٢٧ تا سال ١٣٥٠ را در بر میگیرد، بموجب آمار های رسمی‌دولتی در حدود ١٤٠ میلیارد ریال است. در طول ٢٣ سال برای صنایع و معادن کشور عقب مانده‌ای چون ایران ١٤٠ میلیارد ریال سرمایه گذاری شده ولی‌تنها طی ٥ سال ٣٠٠ میلیارد ریال یعنی بیش از دو برابر مجموع اعتبارات دولتی٢٣ ساله صنایع و معادن برای تسلیحات و هزینه های جاری ارتش بمصرف رسیده است! به چنین سیاستی چه عنوانی باید داد؟

مجموع اعتبارات دولتی فرهنگ و آموزش و پرورش ایران در طول همین چهار برنامه عمرانی کشور ٦٦ میلیارد ریال ولی هزینه های تسلیحاتی و هزینه های‌نظامی جاری ارتش تنها در ٥ سال اخیر قریب ٥ برابر آن بوده است! به چنین سیاستی چه عنوانی میتوان داد؟

از این قیاس ها زیاد میتوان کرد.

ولی زیان های وارده باقتصاد کشور بهمین جا پایان نمی پذیرد. سیاست میلیتاریزه کردن که از طرف دولت تعقیب میشود، همانگونه که واقعیات سال های اخیر نشان میدهد سال‌بسال هزینه های تسلیحاتی بیشتری را طلب‌میکند، زیرا اولا سلاح های کنونی بعلت سرعت روز افزون‌تکمیل تکنیك جنگی مدرن و بویژه‌با توجه باینکه دول امپریالیستی به دولتهائی چون‌ایران سلاح های غیر مدرنی را که بدرد خودشان نمیخورد، میفروشند خیلی‌زود کهنه میشوند و ناچار پس از چندی باید آنها را به گورستان سلاح فرستاد و باز با صرف مبالغ هنگفت به خرید سلاح های تازه پرداخت. مگر سلاح هائی که دولت ایران چند سال پیش از محل ٦٠٠ میلیون دلار وام تسلیحاتی و صد ها میلیون دلار وام دیگر و نیز از محل در آمد های ارزی سالانه خود خریداری کرده است با تکنیك جنگی امروز حتی در مقیاس کنونی خاور میانه هیچگونه تناسبی دارد؟ صرف این میلیاردهادلار کجای «نیرو های‌دفاعی کشور» را «تقویت» کرده است؟

ثانیاً سیاست میلیتاریزه کردن کشور و تشدید تسلیحات موجبات نگرانی روز افزون دولتهای کشور های منطقه خاور نزدیك و میانه را فراهم میسازد و مسابقه تسلیحاتی را در این منطقه بیش از پیش شدت میدهد و در کشاکش این مسابقه‌هزینه های تسلیحاتی ایران سال بسال بیشتر خواهد شد و درنتیجه آن موازنه ارزی کشور بیش از پیش بهم خواهد خورد و کسری موازنه ارزی را که در سال گذشته ٥٥٢ میلیون دولار بود باز هم زیادتر خواهد کرد.

تشدید تسلیحات و میلیتاریزه کردن کشور علاوه برزیانهای فراوانی که برای اقتصاد کشوردر بر داردبرای استقلال سیاسی و نظامی ایران‌نیز هیچگونه زمینه واقعی‌باقی نمیگذارد زیرا ایران را بیش از پیش به زرادخانه دول امپریالیستی و به استراتژی جهانی امپریالیسم وابسته میکند. ازسوی دیگر مسابقه تسلیحاتی بر خلاف پندار های باطل عاملین آن، در جهان کنونی نه تنها عامل مؤثری برای «تقویت نیرو های دفاعی کشور» نیست بلکه برعکس بسبب تشدید روز افزون وخامت اوضاع خاور میانه، ایران را به ماجرا های جنگی بسیار خطرناك و هلاکتبار سوق میدهد و در آخرین تحلیل درست بر خلاف نتیجه گیریهای زمامداران کشور، ایران بجای آنکه ازنظر دفاعی «بی نیاز» گردد «مبدل به عروسکی میشود که یا بدست حامیان خود میچرخد یا احیاناً مورد معامله سیاسی قرار میگیرد» (از اظهارات شاه در مهر ماه سال ١٣٤٩ در دانشکده فرماندهی و ستاد).

تشدید تسلیحات با چنین سرعتی که هیچگونه تناسبی‌با رشد اقتصادی ایران ندارد و با توجه به عواقب وخیم سیاسی آن، بکلی خلاف مصالح ملی مردم ایران است. کشور ما در احاطه کشور هائی قرار دارد که مناسبات آنهاباایران باعتراف خودزمامداران کشور دوستانه است. مرز های شمالی ایران بتصدیق آنان‌مرز های صلح و همکاری‌است. شاه در نطق‌های رسمی خود ونیز در مصاحبه با خبر نگار رادیو و تله ویزیون فرانسه در ٤ خرداد ١٣٤٩ گفته است: «بهبود روابط ما با اتحاد شوروی... به مرحله‌ای رسیده است که ما اکنون‌سرحدات ایران وشوروی را مرز های صلح و دوستی و همکاری نام گذاری کرده‌ایم».

مناسبات ایران با کشور های ترکیه، افغانستان و پاکستان کاملا حسنه است. تجدید روابط عادی با جمهوری متحده عرب هر گونه بهانه‌ای‌را برای‌تشدید ناهنجار مسابقه‌تسلیحات از بین برده است. برای عادی کردن روابط با عراق‌نیزدر صورت حسن‌نیت شرایط مساعدی فراهم است و بهر تقدیر دولت عراق هرگز قصد لشکر کشی بایران را ندارد که دولت ایران باستناد آن بتواند سیاست تشدید روز افزون تسلیحات خود را توجیه کند.

پس این تب و تاب تسلیحاتی دولت ایران برای چیست؟

این سؤال یك جواب بیشتر ندارد:

«تقویت نیرو های دفاعی کشور» نه برای دفاع از کشور بلکه برای مقاصدتجاوز کارانه در چارچوب نیازمندیهای پیمان سنتو و قرار داد دو جانبه با امریکا، برای مقابله با جنبش های آزادیبخش ملی منطقه خاورمیانه، برای حفظ پیوند با محافل امپریالیستی و یك سخن در جهت استراتژی جهانی امپریالیسم انجام میگیرد. چنین روشی با «سیاست مستقل ملی» که چگونگی تناسب نیرو های جهانی زمینه کاملا واقعی برای تحقق آن فراهم ساخته است، هیچگونه مطابقتی نمیتواند داشته باشد.

در شرایط‌زمانی‌و مکانی مشخص‌ایران تشدیدتسلیحات‌وپیروی‌از نقشه های‌تجاز کارانه امپریالیسم سیاستی است کهنه، مغایر با مصالح ملی مردم ایران و بر خلاف روح زمان در جهان معاصر ما. پیروی از چنین سیاستی برای گفته‌شاه‌مبنی براینکه «ما راه‌همزیستی و همکاری ثمر بخش‌با همه کشور های جهان را بر گزیده‌ایم» (از پیام شاه در مرداد‌ماه ١٣٤٩) چه اعتباری باقی میگذارد؟

مصالح ملی مردم ایران اتخاذ سیاست خردمندانه بیطرفی و عدم تعهد را که‌شرایط جهانی از هر جهت برای آن مساعد است ایجاب میکند.

دولت ایران با گرفتن وام ٤٠ میلیارد ریالی جدید و با صرف مبالغ هنگفت دیگر برای تشدید تسلیحات بار دیگر به محافل صلحدوست جهان نشان میدهد که علیرغم دعاوی خود نه تنها به کاهش وخامت اوضاع در منطقه خاور نزدیك و میانه علاقه‌ای ندارد بلکه خوددر جهت تشدید آن گام برمیدارد.

مردم ایران سیاست نابخردانه دولت ایران را در زمینه میلیتاریزه کردن کشور و تشدید مسابقه تسلیحاتی در خاور میانه بشدت محکوم میکنند.

پیکار

دنباله از صفحه ۳

سیمای رقت بار بهداشت

افزون خدمات پزشکی و درمانی، عدم توجه دولت ومیدان‌یافتن هرچه بیشتر بخش‌خصوصی وضعی دردناك در کشور بوجود آورده‌است.

این واقعیات ادعای زمامداران دولت را مبنی بر اینکه گویا، «در شرایط تازه‌ای که در کشور بوجود آمده مردم از رفاه نسبی در تمام زمینه های اجتماعی برخوردار شده اند» تکذیب میکند. مردم کشور ما که رو در روی حقیقت قرار گرفته اند منظرهٔ دیگری از ایران می‌بینند.

کشور ما امروز از لحاظ بهداشت و درمان در یکی از پائین ترین سطح های بین المللی قرار گرفته است. کمیت و کیفیت نازل آن سبب گردیده است امید عمر در کشورما از ٣٥ سال‌تجاوز نکند.

ا. فروزان

دنباله از صفحه ۱

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان حزب در آذربایجان ـ فرقهٔ دموکرات آذربایجان

داشتند. فعالیت علنی حزب ما و شورای‌متحده عملا متوقف شده بود. کلوپهای حزب و شورا در همه جا غارت میشد، دولت از قبول انتخابات دورهٔ پانزدهم امتناع میورزید. جراید منتسب به «جبهه آزادی» توقیف بودند، افسران آزادیخواه مورد تعقیب، توقیف و تبعید قرار میگرفتند امپریالیستهای امریکا و انگلیس از دولت ارتجاعی صدر ـ ارفع حمایت میکردند. وضع بدین نحو بود که یا بایست به نیروی متحد امپریالیسم و ارتجاع تسلیم شد یا بر میزان مقاومت افزود و دست به تعرض متقابل زد و از دموکراسی در قبال ارتجاع و دیکتاتوری مدافعه جدی نمود.

در واقع پیروزی تاریخی خلق شوروی در جنگ دوم جهانی بر فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن تناسب نیرو ها را بسود سوسیالیسم، دموکراسی و رهائی ملی تغییر داده بود. نیروهای مترقی ایران نیز با استفاده از این شرایط مساعد میتوانستند بمنظور جلوگیری از احیاء استبداد و برای بسط دموکراسی، در داخل کشور نقطه اتکائی ایجاد کنند. در شرایط آنروز کشور ما آذربایجان که دارای سنن طولانی مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران بود، برای آنکه چنین نقطه اتکائی باشد، مساعد بود. بعلاوه در آذربایجان هجوم ارتجاع با شدت انجام میگرفت و این ستم اجتماعی و طبقاتی با ستم ملی و سلب حقوق ملی مردم آذر ـ بایجان همراه بود. هیئت حاکمه بکرات نشان داد که گوش شنوائی برای شنیدن مطالبات حقه مردم و از آنجمله مردم آذربایجان ندارد و درست هم نیست که خواستهای خلق را برآورده کند. مثلا در پاسخ تلگراف های شکوه آمیز مردم آذربایجان، صدرالاشراف نخست وزیر وقت در جلسه خصوصی مجلس گفت:

«نه باین تلگراف و نه صد ها از این تلگرافها اهمیتی نمیدهم». روش دولت برای نهضت آذربایجان بمثابه جزئی از نهضت دموکراتیک سراسر ایران عواملی جز اجراء اعمال قدرت خلق باقی نگذاشت. در ۲۹ ـ ۳۰ آبان ۱۳۲٤ کنگره خلق آذربایجان تشکیل شد. در ۲۱ آذر ۱۳۲٤ مجلس ملی آذربایجان دولت ملی را تشکیل داد.

موفقیت های جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی در آذربایجان تناسب قوا را در داخل کشور بطور آشکار بسود نیرو های مترقی تغییر داد و ارتجاع مجبور شد از تعرض دست کشیده و به عقب نشینی بپردازد، حزب توده ایران و شورای متحده و دیگر سازمان های مترقی مواضع خود را تحکیم کردند. اعتلاء نهضت دموکراتیک در سراسر کشور بمیزان بیسابقه ای رسید.

حکومت دموکراتیک آذربایجان در دوران کوتاه حیات خود دست باقدامات مثبت مهمی برای ایجاد تحولات اساسی در حیات مردم آذربایجان زد: حقوق ملی مردم آذر ـ بایجان تأمین شد، اصلاح ارضی صورت گرفت، صنایع بسط یافت، برای مبارزه با بیسوادی و بسط فرهنگ و آبادانی شهر ها و ساختن جاده ها اقدامات مؤثر و دامنه داری انجام گردید، برای نخستین بار حق مساوی زنان با مردان تأمین گردید. تردیدی نیست که جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان و حکومت ملی آن از اشتباهات نیز مصون نماندند ولی بطور اساسی نقش مثبتی برای بسط و تحکیم دموکراسی در کشور ما و دفاع از حقوق حقه مردم ایران و از آنجمله آذربایجان در قبال ارتجاع و امپریالیسم ایفاء کردند و همین نکته است که جا و خدمت تاریخی نهضت دموکراتیک آذربایجان را معین میکند.

متأسفانه در اثر تغییر وضع بین المللی و پیدایش مقدمات جنگ سرد و تشویق و پشتیبانی رسمی و جدی امپریالیسم امریکا و انگلیس ارتجاع ایران امکان یافت دست به تعرض متقابل شدید بزند. اتحاد ارتجاعی دربار سران ارتش و دولت قوام که تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشت با کمك امپریالیستهای امریکا و انگلیس موفق شد نهضت دموکراتیک آذربایجان را با قساوت بینظیری در خون غرق سازد، این نخستین کشتار جمعی کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی است که در دوران پس از جنگ دوم جهانی انجام گرفته است و لکه ننگینی است بردامن هیئت حاکمه ایران وامپریالیسم مدافع آن. خاطره شهیدان و قهرمانان نهضت دموکراتیک آذربایجان در نزد همهٔ خلقهای ایران عزیز و جاوید است.

حزب توده ایران از همان آغاز جنبش دموکراتیک آذربایجان مدافع و دوست صدیق آن بود. سازمان حزب توده ایران در آذربایجان هسته مرکزی سازمان فرقهٔ دموکرات آذربایجان را ایجاد کرد و با صداقت در راه هدفهای جنبش دموکراتیک آذربایجان مبارزه نمود. افسران عضو حزب توده ایران که بعنوان کادر های ورزیدهٔ نظامی به آذربایجان اعزام شده بودند درقیام مسلحانه آذربایجان و در فعالیت حکومت ملی و در مبارزه با باندهای مسلح ارتجاعی شرکت فعال داشتند. نمایندگان حزب توده ایران در مجلس چهاردهم شجاعانه، چه در جریان نهضت و چه پس از آن، از جنبش ۲۱ آذر دفاع کردند. پس از سرکوب جنبش آذر ـ بایجان حزب ما تنها سازمان حزبی بود که از آنجمله در دومین کنگرهٔ حزب بی پروا از خشم و غضب ارتجاع که نهضت آذربایجان را به انواع گناهان فجیع متهم میساخت، از این نهضت مدافعه نمود. در دادگاههای دربسته نظامی اعضاء حزب ما پیوسته درموضع دفاع از جنبش دموکراتیک آذربایجان قرار داشتند که یکی از نمونه های برجسته آن اظهارات رفیق شهید خسرو روزبه در دادگاه نظامی است.

در جریان سال ۱۳۳۹ امر وحدت سازمانی و رهبری بین حزب توده ایران و سازمان فرقه دموکرات آذربایجان در «کنفرانس وحدت» مرکب از نمایندگان این دو حزب فیصله یافت و بار دیگر حزب واحد طبقه کارگر ایران ـ حزب توده ایران احیاء گردید. اکنون فرقه دموکرات آذر ـ بایجان بمثابه سازمان ایالتی حزب توده ایران و بر پایه تصمیمات مصوبه کنفرانس وحدت در کادر برنامه واحد و اساسنامه واحد عمل میکند.

حزب ما در کلیه مسائل مربوط ببارزه مشترك خلق های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، در کلیه مسائل مربوط به هدف استراتژیك و هدفهای تاکتیکی در مرحلهٔ کنونی انقلاب ایران، در مسائل مربوط به حل مسئلهٔ ملی در کشور کثیر المله ایران دارای نقطه نظر روشن و یگانه ایست که در زیر پرچم آن ببارزه مقدس خود ادامه میدهد.

فرقه دموکرات آذربایجان در دامان خود دهها و صدها مبارز از میان کارگران، دهقانان و روشنفکران تربیت کرده است که باین هدفهای حزب ما صادق و برای فداکاری در راه آن آماده اند. ما اطمینان داریم که در مبارزهٔ مشترك علیه امپریالیسم و ارتجاع و بمنظور نیل به استقلال، دموکراسی و ترقی پیوسته همگام خواهیم بود و نیروئی نیست که بتواند باین وحدت رزمجویانه خلل وارد سازد.

رفقای عزیز!

ما بمناسبت سالگرد فرخنده بیست و پنجمین سال جنبش ۲۱ آذر فرصت را برای بیان بهترین احساسات برادری و همبستگی مساعد میشمریم و با بانگ رسا میگوئیم:

فرخنده باد سالگرد جنبش دموکراتیک آذربایجان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۱

کنفرانس جهانی استکهلم در باره هندوچین

سپس کنگره خواستهای ذیل را در مقابل حکومت امریکا قرار میدهد:

«بلافاصله تجاوز علیه مردم ویت نام، لائوس و کامبوج متوقف شود و حق تعیین سرنوشت این ملتها بدست خودشان مورد احترام قرار گیرد ـ پیش از پایان سپتامبر ۱۹۷۱ ارتش امریکا و اقمارش بدون قید و شرط و بطور کامل ویت نام جنوبی را ترك کنند ـ بمباران و سایر جنایات جنگی علیه این سه ملت متوقف شود ـ بحمایت از حکومت های (تیو، کی، خیم) و (لون نل سپریك ماتاك) پایان داده شود ـ این راهی است که به برقراری صلح در هند و چین منتهی میشود.

ما میخواهیم که حکومت ایالات متحده امریکای شمالی به پیشنهادات عادلانه و واقع بینانهٔ مردم ویت نام، لائوس، و هند و چین جواب جدی بدهد، ما از تمام مردم جهان مطلبیم که اقدامات خود را در زمینهٔ همبستگی و کمك بمردم هند و چین تشدید کنند.»

شرکت کنندگان در این کنفرانس نگرانی عمیق خود را از تشدید جنگ با بمباران های شدید ویت نام شمالی در اعلامیه ایکه قسمت اصلی آن ذیلا نقل میشود ابراز داشتند:

«این اقدامات جنگی بطور جدی و روشن نقش حاکمیت و امنیت جمهوری دموکراتیك ویت نام و جزئی از نقشه های حکومت امریکا برای تشدید و توسعه تجاوز در هند و چین میباشد.

این اقدامات را باید در ارتباط با جنایات دیگر در هند و چین مورد نظر قرار داد.» این بمبارانهای ننگین در عین حال بهترین دلیل بر دروغ زنی و عوامفریبی باصطلاح «پیشنهادات صلح» نیکسون است که میخواهد بازی دوگانه خود مخالفان امریکائی و مردم جهان را باشتباه بیاندازد. اعلامیه کنفرانس کوشش امریکا را برای ادامه جنگ و حفظ حکومت دست نشانده سایگون تحت عنوان «ویت نامی کردن جنگ» محکوم میکند و مسئولیت کامل حکومت نیکسون را درمورد نتائج حاصل از این سیاست وتأثیر آن درمذاکرات پاریس بیان مینماید. سپس کنفرانس خطاب بمردم جهان میگوید: «کنفرانس با تمام نیرو از

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

نامهٔ شاد باش

کمال پیموده است در پرتو فعالیت خستگی ناپذیر پنجاهساله و فداکاری های عظیم در راه تأمین پیروزی آرمانهای پرولتاریا و توده های بزرگ زحمتکشان فرانسه به حزب طراز نوین، به پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر فرانسه و به منادی الهام بخش دموکراسی وسوسیالیسم در فرانسه بدل گردیده است.

حزب کمونیست فرانسه طی نیمقرن مبارزه قهرمانانه در راه دفاع از منافع حیاتی طبقه کارگر و قشرهای وسیع مردم، دفاع از صلح و دموکراسی و در راه تأمین آینده سوسیالیستی فرانسه و آزادی خلقهای مستعمره بحق عنوان پرافتخار «وکیل مدافع خلق» را بدست آورده است.

مبارزات خستگی ناپذیر حزب شما علیه اشغالگران هیتلری و علیه امپریالیسم جهانی، پشتیبانی فعال و مؤثر شما از جنبشهای آزادی بخش ملل، از پیکار قهرمانانه خلق ویتنام و از نبرد عادلانه ملل عرب علیه متجاوزان اسرائیل و امپریالیستهای امریکائی حامی آنان، حزب کمونیست فرانسه را از احترام عمیق تمام ملل ستمدیده و سراسر جامعه ترقیخواه بشری برخوردار کرده است.

حزب کمونیست فرانسه که مدافع پیگیر اصول مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است برای پرورش زحمتکشان فرانسه با روح هوا خواهی از مبارزه زحمتکشان سراسر جهان، از جنبش آزادی بخش ملی و جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، با روح همبستگی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، با روح بیزاری از امپریالیسم، استعمار و هر گونه ستمگری ملی، مساعی عظیم بکار برده است.

نقش مهمی که حزب شما برای تقویت وحدت و پیوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی بر بنیاد اصول مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برای تحقق وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری درمبارزه ضد امپریالیستی بر اساس قرار های مصوبه کنفرانس جهانی مسکو ایفا میکند اعتماد و احترام عمیق جنبش جهانی کارگری را نسبت به حزب کمونیست فرانسه بیش ازپیش افزایش میدهد.

ایدئولوژی مشترک، وحدت نظر در مسائل اساسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و مبارزه در راه تأمین آرمانهای مشترک دموکراتیک و سوسیالیستی ـ دوخرب ما را از دیرباز با رشته های محکم بیکدیگر پیوند میدهد.

حزب توده ایران که در شرایط دشوار مخفی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک مصرحه در قانون اساسی، در راه ترقی و استقلال واقعی میهن ما مبارزه میکند برای همبستگی وپشتیبانی برادرانه حزب کمونیست فرانسه از مبارزه ما ارج خاص قائل است.

رفقای عزیز! در این سالروز فرخنده کامیابیهای هر چه بیشتر شما را در مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلابی، در راه صلح، دموکراسی پیشرو، ترقی و سوسیالیسم صمیمانه آرزومندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

متفکر، انقلابی و انسان بزرگ

مارکس، «مارکسیسم» خوانده میشود حتی یك مسئلهٔ مهم نیست که در تنظیم و تحلیل آن انگلس سهمی بزرگ ادا نکرده باشد. مارکس وانگلس مؤسسان و رهبران «اتحاد کمونیستها» هستند که نخستین سازمان انقلابی طبقه کارگر در تاریخ است و بدینسان در سرچشمهٔ جنبش بین المللی کمونیستی ایستاده اند.

اوج فعالیت عظیم مارکس و انگلس برای سازمان دادن نیرو های طبقه کارگر ایجاد نخستین «رفاقهٔ بین المللی کارگران» یعنی انترناسیونال اول در سال ۱۸٦٤ است.

پس از درگذشت دوست خود، انگلس مشاور و اندرزگو، رهبر و رایزن جنبش کارگری جهانی بود و با دیدگان پر ازامید میدید که وحدت بین المللی کارگران دمبدم تحکیم مییابد و وثیقه واقعی پیروزی نهائی انقلاب سوسیالیستی بیش از پیش فراهم میآید.

در باره زندگی انگلس وفعالیت فکری و انقلابی او زیست نامهٔ مفصلی در نشریهٔ فارسی «مسائل بین المللی» (شماره ۵ سال ۱۳٤۹) نشر می یابد و لذا ما از تکرار آن مطالب بی نیازیم. در این مختصر بیشتر میخواهیم خواننده ارجمند «مردم» را باچهرهٔ انگلس بمثابه انسان نازنین بزرگوار از دیدهٔ دوستان و نزدیکانش آشنا سازیم.

پل لافارگ داماد مارکس و از دوستان نزدیك انگلس در خاطرات خود راجع بوی چنین مینویسد: «شخص نمیتواند در باره انگلس بیاندیشد، بی آنکه بلا فاصله مارکس در مقابل نظر ظاهر شود و همچنین برعکس. زندگی آنها چنان بهم بافته شده است که باید گفت آنها گوئی یك زندگی واحدی را پدید آورده اند، با اینحال آنها هر کدام مهر و نشان ویژه خود را داشتند و بمثابه شخصیت از هم سخت متمایز بودند، نه تنها از جهت ظاهر، بلکه همچنین از جهت روحیات، صفات، شیوه تفکر و احساس...

ویلهلم لیبکنشت (پدر کارل لیبکنشت)

یکی از نزدیکترین دوستان مارکس و انگلس در بارهٔ انگلس در مقاله‌ای که ویژه وی نوشته است چنین مینویسد: «انگلس پیغمبر وغیبگو نبود، وی دیدگانی روشن و تابناك داشت و مردی روشن بین بود عیناً مانند گوته که در نبرد والبی با دیدگان روشن و تابناك خود آنچه را که سیاستمداران تاریك بین تا حد خنده آور نمیدیدند، دید یعنی دید که چرخش جهان آغاز میشود.»

النور مارکس دختر مارکس (و همسر او لینگ یکی از سوسیالیستهای انگلیس) نیز در باره فریدریش انگلس مقاله جداگانه ای دارد و در آن مینویسد:

«کسانی هستند که انگلس را بمثابهٔ مردی خود رأی و حتی مستبد و ایراد گیر گزنده توصیف میکنند. این مطلب بهیچوجه من الوجوه درست نیست. هرگز انسانی نبود که در باره دیگران چنین ملایم قضاوت کند. هرگز کسی آنقدر مانند انگلس آمادهٔ خدمت و یاری بدیگران نبود. دیگر لازم نیست که من از مهربانی بی حد و حصر او نسبت به جوانان سخن گویم. در این کشور گواهان این مطلب فراوانند. تنها میتوانم بگویم که خودم بکرات دیده ام که میگویند کار خود را کنار میگذاشت برای آنکه به جوانی خدمتی دوستانه بکند و گاه کار خودرا بخاطر یك مبتدی نادیده میگرفت. ولی البته یك چیز هست و آن اینکه انگلس تقلب را هرگز نمی بخشید. کسی که صداقت ندارد و از آنهم بالا تر نسبت بحزب خود وفادار نیست نمی توانست انتظار مرحمتی از انگلس داشته باشد. گناه نابخشودنی انگلس همین است.»

اتو گوست بیل سوسیالیست معروف آلمانی در جلد سوم کتاب خود موسوم به «زندگی من» چنین مینویسد: «انگلس از جهت انسان بسیار جذاب و پر محبت بود... او تا پایان زندگیش مردی سخت کوشا و پرکار بود و حتی پس از هفتاد سالگی زبان رومانی میآموخت و با علاقه پرشوری حوادث را دنبال میکرد و پیوسته با نشاط و مهربان بود. حافظه ای شگفت انگیز داشت و حتی حوادث کوچك و وقایع خنده آور زندگی پر جنب و جوش را بخاطر داشت و آنها را در مجالس پر نشاط به بهترین شکلی عرضه میداشت و گفتگوی خود را با ذکر آنها تمکین میساخت.»

گئورگ ورت یکی از دوستان انگلس که در جوانی با وی معاشرت داشت درنامه‌ای که در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸٤۵ بمادرش در بروکسل نگاشته است، در باره وی چنین مینویسد: «دوست بسیار عزیزی دارم بنام فریدریش انگلس که از اهل «بار من» است. او کتابی بسود کارگران انگلیسی نوشته و در این کتاب کاملا بحق صاحبان کارخانه ها را بشدت کوبیده است. پدرخود انگلس در انگلستان و آلمان کارخانه هائی دارد ولی روابط او با خانواده اش سخت بهم خورده است. او را بی دین و ملعون میدانند و پدر متمولش حتی یك پشیز بعنوان مستمری به پسرش نمی دهد. ولی در چشم من این پسر یك انسان نیکوی آسمانی است که دارای هوش و درکی فوق العاده است و شب و روز با تلاش بی پایان برای خیر طبقات زحمتکش مبارزه میکند.»

تصور میکنیم این توصیف ها چهرهٔ جذاب و انسانی فریدریش انگلس را بخوبی نشان دهد. آری، این بزرگترین خوشبختی انسان است که هم بتواند متفکری بزرگ باشد، هم مجاهدی سخت کوش و هم انسانی نازنین.

ا. سپهر

بما مینویسند

چندی پیش عده‌ای از بازاریان را که علیه سرمایه گذاریهای کلان امریکائیها اعلامیه دادند گرفتند. یکی از آنان بنام شریف خراسانی را بقدری شکنجه دادند که دو چشمش نابینا اعصابش فلج ومشرف به مرگ است. در اینحال او را از زندان بیرون کرده تحویل یکی از خویشانش در تهران داده‌اند مبادا در زندان بمیرد و برایشان سر و صدا ایجاد کند. یکی از آنان بنام اسدالله لاجوردی را نیز خیلی شکنجه کرده اند که چشمش نابینا شده مغزش عیب دیده است و اکنون در زندان بسر میبرد. ده ها زندانی سیاسی دیگر به چنین سر نوشتهائی دچارند آقای دکتر شیبانی را به اتهام تماس گرفتن با سران و فعالان نهضت آزادی ایران می خواهند به پانزده سال حبس محکوم کنند. به همین اتهام عضویت، شش سال در زندان بود و اکنون نیز بهمان اتهام واهی اقدام علیه امنیت مملکت محاکمه میشود، در کیفرخواستی که دادستان نظامی علیه او تهیه کرده از جمله گفته شده است: «در تاریخ ۲۲ر۳ر٤۹ که سعیدی نامی (آیت‌الله‌سعیدی) در زندان فوت میکند نامبرده به منزل متوفی رفته و مردمی را که جهت سوگواری در آنجا اجتماع نموده‌اند تحریك کرده و به اتفاق جمعیت مزبور به مسجد سعیدی رفته و در آنجا با ایراد سخنانی نامبردگان را علیه حکومت و دستگاههای امنیتی تحریك و تهییج مینماید که بهمین علت در تاریخ ۱ر٤ر٤۹ دستگیر و با صدور قرار باز داشت از تاریخ ۲ر٤ر٤۹ زندانی میگردد و ضمناً در بازرسی از منزل نامبرده مقدار زیادی اوراق و جزوات مضره بدست آمد که ضمیمه پرونده میباشد در تحقیق هائی که در مراحل بازجوئی معمول گردیده ضمن اعتراف بعضویت در جمعیت یاد شده و ارتباط با سران و فعالین حزب مزبور به رویه وافکار سابق خود باقی میباشد لذا باز پرس مربوطه با توجه به اقرارهای وی ونظریه سازمان امنیت کشور قرار مجرمیت وی را صادرنموده است.

چنین عملی را که در عداد قوانین عادی وقانونی هر فرد ایرانی است و دادستان نظامی به استناد اظهار نظر سازمان امنیت قیام و اقدام علیه امنیت کشور تلقی میکند نمونه‌ای از آن دموکراسی است که زمامداران کنونی دولت بجای آزادیهای مقرر در قانون اساسی و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بمردم ایران تحمیل میکنند.

دنباله از صفحه ۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

است بوسیله‌ی دستیاران خود بموقع اجرا در آورد ولی در واقع مصاحبهٔ مزبور صحنه سازی تازه‌ایست که سازمان امنیت بمدد یك سلسله جعلیات بهم بافته کوشیده است یکبار دیگر حزب تودهٔ‌ایران و رهبری آنرا آماج تهمت و افترا قرار دهد تا مگر از اینراه به حیثیت و اعتبار حزب ما در میان توده های مردم ایران لطمه وارد کند .

با اینکه تا کنون مکرراً دبیرخانهٔ کمیته مرکزی وجود هرگونه ارتباط آشکار یا پنهانی بین حزب تودهٔ ایران و تیمور بختیار را صریحاو رسماً تکذیب نموده است معذالك بمناسبت این کارزار تبلیغاتی و صحنه سازی جدید لازم میشمرد یکبار دیگر رسماً و صریحاً مراتب ذیل را اعلام دارد :

۱ ـ در هیچ زمان و هیچ مورد کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران با تیمور بختیار ارتباط برقرار نکرده و هیچیك از اعضاء رهبری حزب با وی ملاقات ننموده است .

۲ ـ کمیته مرکزی حزب توده ایران هرگونه همکاری با تیمور بختیار را مردود دانسته و همواره این عمل را برخلاف اصول سیاسی و خط مشی حزب تلقی نموده است.

۳ ـ کمیته مرکزی حزب توده ایران هیچگاه بهیچیك از اعضاء حزب اجازه ملاقات، برخورد ، همکاری یا توافق با تیمور بختیار را نداده است .

٤ ـ کمیته مرکزی حزب توده ایران همواره هرگونه اقدامات ماجراجویانه را بر خلاف اصول خط مشی و سیاست حزب تلقی نموده است وبا آگاهی قبلی ازاین توطئه بموقع خود با کلیه وسائل تبلیغاتی و ازطرق سازمان خویش مکرراً مسئولین و افراد حزب را از افتادن در دام تحریکات سازمان امنیت و اقدامات چپ روانه و ماجراجویانهٔ گروهها و افراد گوناگون بر حذر داشته است .

بنا بمراتب فوق روشن است که صحنه سازی تازهٔ سازمان امنیت و اسنادات مجعولی که در مصاحبهٔ ۲ دیماه علیه حزب ما و افراد آن عنوان شده بهیچوجه نمیتواند کوچکترین مسئولیتی برای حزب توده ایران درقبال این حوادث بوجود آورد ،

سازمان امنیت باستناد اقدامات تحریك آمیزی که خود مرتکب شده و سخنگوی رسمی وی در مصاحبهٔ ۲ دیماه رسماً به آن اعتراف کرده است ، برای آنکه اتهامات دروغین خود را نسبت بحزب توده ایران در برابر افکار عمومی توجیه نماید عده‌ای را نیز تحت عنوان اعضاء شبکهٔ حزب توده ایران بازداشت نموده است .

حزب توده ایران نسبت باین موج تضییقی جدید شدیداً معترض است و برای آزادی افراد بیگناهی که در دام تحریکات و ماجرا سازی عمال سازمان امنیت افتاده اند با تمام نیروی مادی و معنوی خود خواهد کوشید .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳ دی ۱۳٤۹

دنباله از صفحه ۸

در ماه گذشته . . .

مترقی و دمکرات جهان نسبت بخلق قهرمان ویتنام ، لائوس و کامبوج و نبرد عادلانهٔ آنها و نسبت بملل کشور های عربی و مبارزان فلسطینی بطور برجسته‌ای نمودار شد .

نمایندگان از مردم و جوانان اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی بخاطر کمك بیدریغ آنها نسبت بمبارزان هند و چین و ملل عربی و مبارزان سراسر جهان قدردانی نمودند وشکفتگی بازهم بیشتر اردوگاه صلح و سوسیالیسم را آرزو نمودند . مجمع همچنین از مردم و جوانان مترقی امریکا که برای خاتمهٔ جنگ در ویتنام و آزادی و دمکراسی و علیه برتریهای نژادی مبارزه میکنند ، پشتیبانی نمودند و آزادی فوری انجلا دیویس را خواستار شدند .

هیئت نمایندگی جوانان توده‌ای ایران فعالانه‌در کار مجمع شرکت نمود و با معرفی اوضاع فعلی ایران ، با تشریح وضع مبارزان جوان که از هر گونه آزادی محروم‌اند و با فقر و بیکاری و مشکل تحصیل و آیندهٔ مبهم روبرو هستند ، همبستگی جوانان جهان را نسبت بمبارزان ایران و بخصوص زندانیان جوان جلب کردند .

نمایندگان‌جوانان توده‌ای در سخنرانی های خود پشتیبانی جوانان و مردم مترقی میهن مارا از قهرمانان ویتنام و مبارزان عرب و جنبش رهائی بخش فلسطین ابراز داشتند و اعلام نمودند که با وجود اختناق شدید جوانان زحمتکش و دانشجویان مترقی ایران از هر فرصتی برای نشان دادن این پشتیبانی استفاده میکنند .

مجمع جهانی جوانان دمکرات پس از تنظیم و تصویب قطعنامه های سیاسی و تشکیلاتی و برنامهٔ‌عمل سالهای آینده‌فدراسیون و انتخاب ارگانهای رهبری خود در ٤ نوامبر (۱۳ آبان) بکار خود خاتمه داد .

دنباله از صفحه ۵

کنفرانس جهانی استکهلم

افکار عمومی جهان خواستار است که در تمام کشور های روی زمین به اقدامات توده ای وسیع‌و نیرومندی دست بزنند برای اینکه دورویی سیاسی حکومت امریکا را فاش کنند و به تجاوز امریکا در هند و چین پایان بخشند ما از مبارزه مردم امریکا و محافل سیاسی امریکائی مخالف نیکسون پشتیبانی میکنیم . ما خواستارحداعلای کمك در هر زمینه‌برای مردم ویت نام لائوس و کامبوج در مبارزهٔ حق طلبانه و دلیرانه آنها تا پیروزی قطعی هستیم . »

❀ ❀ ❀

حزب توده ایران ضمن تأیید کامل اسناد کنفرانس جهانی استکهلم درباره هند و چین از مردم ضد استعمار ایران و از اعضای خود میطلبد که آنچه در قوه دارند بمبارزان ضد امپریالیست ویت نام ، لائوس و کامبوج کمك کنند و از مردم دلیر و استقلال طلب شبه جزیره هند و چین که با فداکاری و شهامت بی نظیری با نیرومند ترین امپریالیسم جهان یعنی امپریالیسم ایالات متحده امریکای شمالی دشمن شماره یك خلق های جهان و از جمله خلقهای میهن ما ایران در نبرد مرگ‌وزندگی هستند ، یاری رسانند. شکست سیاست تجاوز کار امریکا در هند و چین پیروزی بزرگی برای خلقهای جهان است که تأثیر بزرگی بنفع استقلال و دموکراسی در میهن ما خواهد کرد .

دنباله ازصفحه ۲

کارگران و مبارزات سندیکائی

بسط مبارزات سندیکائی بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که حتی قانون فعلی کار هم که نسبت بقانون سال ۱۳۲۵ گام هائی بعقب است ، اکثر مواد آن عملا اجرا نشده . دولت مانع از آنست که سندیکاهای کارگری حتی بمقیاس کارخانه متحد شوند ، در حالیکه در متن قانون، حق کارگران‌برای تشکیل سندیکا در مقیاس شهرستان ، حق تشکیل سندیکاها در اتحادیه‌ها و تجمع‌اتحادیه ها در کنفدراسیون بتصریح شناخته شده‌است. آئین نامه تعیین حد اقل دستمزد ، با توجه به شاخص هزینه زندگی هرگز تحقق نپذیرفته و در حالیکه هزینه زندگی طی سالهای پس از کودتا بنحو سرسام آوری افزایش یافته ، سطح دستمزد کارگران افزایش اندکی داشته است . هشت ساعت کار روزانه درمورد صدها هزار کارگر زحمتکش ، از جمله کارگران ساختمانی ، کارگران حمل ونقل، کارگران قالی باف وکارگران کارگاههای کوچك عملی نشده ، بیمه های اجتماعی فقط در مورد معدودی از کارگران آنهم بطور ناقص بمرحلهٔ اجرا درآمده و اکثریت مطلق کارگران از استفاده از مزایای آن محروم‌اند. یك روز تعطیل درهفته در مورد تعداد کثیری ازکارگران واز جمله کارگران‌کارگاههای کوچك‌اجراء نمیشود. درکارخانه‌ها ومؤسسات صنعتی عدم رعایت حفاظت فنی و بهداشت عمومی غالبا موجب مرگ کارگران‌میگردد. حد اقل سن رعایت نمیشود و استفاده از کار ارزان کودکان خردسال در بسیاری از رشته ها و از جمله در رشته قالیبافی ، بلور سازی، کبریت پاك کنی ، ساختمان و غیره رواج وسیع دارد .

برای اجبار رژیم به اجرای قانونی که خود تدوین کننده آنست مبارزهٔ وسیع، متحد و پیگیر سندیکائی ضرور است که در شرایط کنونی جز از طریق همین سندیکا های موجود امکان پذیر نیست . علاوه بر آنکه کارگران باید با مبارزهٔ مداوم ، دولت را وادار به شناختن حق اعتصاب که مؤثر ترین سلاح مبارزه آنهاست بنمایند . با تشکل در سندیکا های موجود ، یافتن شکل صحیح مبارزه و تجهیز و گردآوری کارگران بدور عام ترین شعار میتوان از یکسو عناصر ارتجاعی را در داخل سندیکاها منفرد نمود ، و از سوی دیگر کارگران جوان‌را با رسم مبارزات سندیکائی درشرایط استبداد وفقدان سندیکاهای واقعی کارگری آشنا کرد . سرمایه داری در حال رشد ایران ، خواه ناخواه موجب قوت طبقه کارگر و تنوع مطالبات این طبقه رشد یابنده خواهد شد و هیچ نیروئی قادر نخواهد بود برای همیشه با اعمال فشار ، مانع بسط مبارزات کارگران و پیروزی آنان شود .

مینو

«نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند .

۲) خوانندگان مقیم خارج ازکشور معادل‌ریالی بهای نشریات‌را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند .

۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمك کنند .

٤) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .

۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود داری فرمایند :

منتخبات لنین ، دولت و انقلاب ، لودویگ فویرباخ حق‌مال درتعیین سرنوشت، سخنرانی لنین در دومین کنگره کمونیستهای خاور زمین، کتومات و آخرین دفاع روزه .

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	٤۰ »
مجله مسائل بین المللی	۲۰ »
مانیفست	٤۰ »
سرمایه جزوه ۱و۲و۳ و٤ ـ هرجزوه	٤۰ »
انقلاب اکتبر و ایران	۸۰ »
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	۲۰ »
اصول فلسفه مارکسیسم	۲۰ »
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	٤۰ »
هیجدهم برومر لوئی بناپارت	٤۰ »
خان و دیگران	۱۰ »
یادنامه شهیدان	»
رژیم ترور و اختناق	۱۰ »
خیانت او بوطنش	۲۰ »
توده ایها در دادگاه نظامی	۲۰ »
الفبای مبارزه	۱۰ »
اسناد کنفرانس مسکو	۲۰ »
گواهی دوستان	—
زندگی و آموزش لنین	۵۰ »
منتخبات لنین ـ جلد اول قسمت دوم	۳۰۰
ما و کنفدراسیون	—
روزنامه آذربایجان	۵ »
مجله آذربایجان	٤۰ »
آخرین دفاع روزبه بزبان آذربایجانی	۲۰ »
متن دفاع ارانی بزبان آذربایجانی	۲۰ »
کتاب شهیدان بزبان آذربایجانی در دو جلد ـ هر جلد	٤۰ »

پر افتخار باد خاطرهٔ شهیدان ۱۶ آذر

دورهٔ ششم — شمارهٔ ٦٦ - نوامبر - دسامبر ۱۹۷۰ — تك شماره ۱۰ ریال

در ماه گذشته . . .

شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی

هشتمین جلسه شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی از ۱۳ تا ۱٦ اکتبر در مسکو تشکیل گردید . رفیق پیر ژنسوس دبیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی گزارش فعالیت فدراسیون را در راه تقویت نهضت سندیکائی جهانی و راههای تازه ای را که برای پیوستگی و اتحاد زحمتکشان جهان باید پیمود بشورا داد . جلسه علاوه بر تصمیماتیکه متفقاً در بارهٔ کارهای سازمانی و امور داخلی فدراسیون گرفت قرار های مهمی دائر به پشتیبانی از مردم قهرمان ویتنام ، از ملتهای شبه جزیرهٔ هندوچین که علیه تجاوز امریکا میجنگند ، از مردم کشورهای عربی وفلسطین که در خاور میانه علیه تجاوز اسرائیل مبارزه میکنند ، از ملل افریقا و امریکای لاتین که برای استقلال و آزادی و بهبود زندگی علیه امپریالیستها و برتری جویان نژادی در نبردند صادر کرد و دبیرخانه فدراسیون را مأمور نمود که یك کنفرانس همبستگی سندیکائی جهانی برای کمك و پشتیبانی از مردم فلسطین تشکیل دهد . نماینده ایران در این جلسه وضع زحمتکشان ایران را که با وجود حکومت دیکتاتوری و اختناق کامل بمبارزهٔ خود برای بهبود زندگی ، آزادیهای سندیکائی ، بیمه های اجتماعی ، دموکراسی و علیه استثمار بی بند و بار سرمایه های امپریالیستی ادامه میدهند ، تشریح کرد و پشتیبانی زحمتکشان ایران را از مردم ویتنام ، شبه جزیره هندوچین ، کشور های عربی خاور میانه ، مردم فلسطین ، جمهوری دموکراتیك کره شمالی و تمام نیرو های ضد امپریالیستی اعلام داشت . نماینده ایران علاقه زحمتکشان و مردم ایران را بتوسعه روابط حسن همجواری ایران با کشور اتحاد شوروی و تأیید هر اقدامی که به بسط روابط اقتصادی ، تجاری و فنی بین دو کشور بعمل آید ، باطلاع شورا رساند .

شورای فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان

از پنجم تا دوازدهم اکتبر شورای فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان در بوداپست تشکیل گردید . در این جلسه ۷٤ سازمان از ۷۳ کشور شرکت کردند . بررسی گزارش دبیر کل فدراسیون در باره فعالیت بیست و پنجساله آن نشان داد که این سازمان دموکراتیك توانسته است زنان کشور های مختلف را بدون هیچگونه تبعیض نژادی ، مذهبی و ملی و عقاید سیاسی در مبارزه برای احقاق حقوق خود ، برای پاسداری از صلح ، برای حمایت کودکان ، برای دموکراسی و استقلال ملی در صف واحدی متحد کند و راههای تازه ای را برای پیروزی آنان در مبارزات خود نشان دهد . از روی گزارشهائی که داده شدمعلوم گردید که پیروزیهای زنان جهان در مبارزات خود طی ۲۵ سال پس از جنگ کم نیست ولی تا پیروزی نهائی هنوز راه درازی در پیش است . هیئت نمایندگی ایران نیز گزارش جامعی از وضع زنان و کودکان ایران و محرومیت های آنان و همچنین از موفقیتهای نسبی که در نتیجه مبارزات طولانی بصورت بعضی قوانین بدست آمده بشورا داد . شورا باتفاق آراء پشتیبانی خود را بنام میلیونها نفر اعضای خود از مردم قهرمان ویتنام و شبه جزیره هندوچین ، از تقاضا های حق اعراب در برابر تجاوز صهیونیست های اسرائیل به پشتیبانی امپریالیسم امریکا ، اعلام داشت و طی پیامی تقاضای کمك بزنان و کودکان عرب که قربانی تجاوز اسرائیل شده اند نمود و لزوم حل بحران خاور میانه را بر اساس قرار شورای امنیت از طریق سیاسی تأیید کرد و ضمن قطعنامه‌ای اهمیت ارو پائی و همکاری ملتها را در این قاره برای حفظ صلح جهانی مورد توجه خاص قرارداد و برنامهٔ کار خود را در آینده تنظیم نمود . در پایان کار جلسه ای بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس فدراسیون ترتیب داده شد که زنان برجسته ای مانند والنتینا ترشکوا و ماری کلودوایان کوتوریه در آن شرکت داشتند در این جلسه بسازمانهائی که طی این ۲۵ سال در پیشرفت مبارزهٔ زنان کمك کرده‌اند از جمله به ایران مدال اوژنی کوتون اهداء گردید .

مجمع جهانی جوانان دموکرات

هشتمین مجمع فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در تاریخ ۲٦ اکتبر (٤ آبان) در بوداپست تشکیل شد . بیش از ٤٥۰ نفر بنمایندگی از ۲۰۳ سازمان جوانان ۹۵ کشوردر این جلسه حضور داشتند . نمایندگان ۱۵ سازمان جهانی از جمله نمایندگان یونسکو و چندین سازمان کشوری ازمیهمانان جلسه بودند .

در نخستین روز ، گزارش فعالیت فدراسیون از مجمع صوفیه (۱۹٦٦) تا کنون ، تحلیلی از زندگی و مبارزهٔ جوانان جهان مطرح شد . نمایندگان با دادن گزارش فعالیت سازمانهای خود ، در بحث و انتقاد شرکت نمودند و برای گسترش باز هم بیشتر اتحاد و مبارزهٔ جوانان مترقی و دمکرات جهان علیه امپریالیستها ، علیه استبداد و ارتجاع و دفاع از صلح و ایجاد آینده بهتر برای جوانان سراسر جهان پیشنهاد های مشخصی ارائه دادند .

در جلسات مجمع و همچنین درمراسم مختلفی که با شرکت هزاران جوان مجاری تشکیل یافت ، یکبار دیگر همبستگی جوانان

دنباله در صفحه ۷

متن پاسخ رئیس جمهور شیلی به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

آقای ایرج اسکندری !

مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از پیام محبت آمیز و صمیمانه ای که از طرف حزب توده ایران بمناسبت انتخاب من بمقام ریاست جمهوری فرستاده اید تقدیم میدارم .

سالوادور آلنده - رئیس جمهور شیلی

شاد باش به فدراسیون بین المللی دموکراتیك زنان توسط دبیر کل فدراسیون

دوستان گرامی !

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست وپنجمین سال تأسیس فدراسیون بین المللی دموکراتیك زنان بهترین آرزو-های خود را برای موفقیت شما ابراز میدارد فدراسیون بین المللی دموکراتیك زنان در جریان بیست و پنجسال عمر خود توانست زنان دموکرات جهان را قطع نظر از ملیت ، مذهب و رنگ پوست متحد کند و صفوف آنانرا در مبارزه برای بدست آوردن حقوق اساسی زنان ، صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی و سعادت کودکان تحکیم نماید . فدراسیون بحق میتواند بخود ببالد که اکنون ۱۰۷ سازمان زنان از ۹۵ کشور عضو آن هستند . فدراسیون مقام مهمی را در مبارزه ضد امپریالیستی ملت ها احراز کرده و هر روز نقش برجسته تری در این مبارزه ایفا میکند . فدراسیون در کنار مردم ویتنام وملل هندوچین که دلیرانه علیه امپریالیسم امریکا مبارزه میکنند قرار دارد ، از مبارزه حق طلبانه ملل کشور های عربی علیه تجاوز اسرائیل حمایت مینماید و از هر مبارزه‌ای که علیه امپریالیسم ، فاشیسم و برتری نژادی متوجه باشد پشتیبانی میکند . فدراسیون همواره در کنار زنان ایران که زیر فشار حکومت ضد دموکراتیك ایران و قوانین ظالمانه هستند ، قرار داشته و قرار دارد . زنان ایران همواره از پشتیبانی فدراسیون برخور دار بوده اند . حزب ما بکارزار شما برای نجات جان انجلا دیویس مبارز راه آزادی باتحسین مینگرد و از آن پشتیبانی مینماید .

دوستان گرامی ! شما موفقیتهای بزرگی در کار خود بدست آورده اید . ما باز هم موفقیت های بیشتری را برای شما آرزو کرده وازصمیم قلب بشما درود میفرستیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایرج اسکندری

۳ر۱۲ر۱۹۷۰

شماره حساب بانکی پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

برای نجات جان «انجلا دیویس» - مبارز امریکائی - از خطر مرگ صدای اعتراض خود را بلند کنید !

هموطنان عزیز !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد ، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند .